

## بررسی مهم‌ترین عوامل قبح‌زدایی طلاق در جامعه معاصر

دکتر راضیه علی‌اکبری\*

### اشاره

خانواده تا زمانی که مستحکم است، می‌تواند به اعضای خود احساس خوشبختی دهد و همه را به سوی موفقیت جهت‌دهی کند؛ اما متأسفانه این کوچک‌ترین نهاد اجتماعی، برخی اوقات دچار ضعف شده، عواملی چند سبب فروپاشی آن می‌شوند. طلاق تا چند سال قبل امری به‌شدت مذموم بود و خانواده‌ها از انجام آن هراس داشتند؛ به‌اندازه‌ای که هر سختی‌ای را تحمل می‌کردند؛ اما نمی‌توانستند یا بهتر بگوییم، نمی‌خواستند نام طلاق را بیاورند. اگر زنی حرفی از جدایی می‌زد، خانواده‌اش جمله معروفی به او می‌گفتند: «با لباس عروس رفته‌ای و فقط با کفن برخواهی گشت».

در گذشته طلاق معمولاً وقتی اتفاق می‌افتاد که استحکام رابطه زناشویی از بین می‌رفت و میان زوجین ناسازگاری و تنش وجود داشت؛<sup>۱</sup> اما امروزه مشاهده می‌شود این مبعوض‌ترین حلال الهی، با پیش‌آمدن

---

\* دانش‌آموخته دکترای کلام اسلامی و مدرس حوزه و دانشگاه.

۱. علی محمد اسماعیلی، جنگ نرم در همین نزدیکی، ص ۵۳.

کوچک‌ترین مسئله‌ای، به‌آسانی انجام می‌شود و روزبه‌روز هم در حال افزایش است. حال این سؤال طرح می‌شود که امروزه چه عواملی سبب قبح‌زدایی از طلاق شده است؟ در این نوشتار به بررسی مهم‌ترین عوامل قبح‌زدایی طلاق در جامعه معاصر می‌پردازیم.

### ۱. کاهش معنویت

معنویت یکی از مؤلفه‌های مهم خانواده است. بر اساس آموزه‌های دینی، خانه باید محل تربیت و علم‌آموزی و کانون نماز، قرآن و حکمت‌آموزی باشد. بدین دلیل اسلام بر خواندن نماز در خانه تأکید دارد: ﴿وَأَجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبَلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾<sup>۱</sup>؛ خانه‌های خود را رو به قبله قرار دهید و نماز را بر پا دارید و مؤمنان را بشارت ده.

آنچه امروزه خانواده‌های غربی را به شدت آسیب‌پذیر نموده، دوری از معنویت است. بیل مایزر - روزنامه‌نگار و محقق آمریکایی - می‌گوید: «مردم در سراسر جهان، از مادی‌گرایی و ماتریالیسم خسته شده‌اند و به سرعت به سوی معنویت بازمی‌گردند و این بازگشت، چندی است که آغاز شده است. دین و پیروی محض از اصول آن، بار دیگر مورد توجه قرار گرفته است».<sup>۲</sup>

در خانواده‌ای بدون حاکمیت معنویت، حرمت الهی شکسته می‌شود و طلاق که مبعوض‌ترین مسئله است، قبحی ندارد و زن و شوهر به راحتی جدا می‌شوند.

۱. یونس: آیه ۸۷.

## ۲. فضای مجازی و رسانه‌ها

استفاده از فضای مجازی، فرصت‌ها و تهدیدهای بی‌شماری به وجود آورده است؛ گرچه فضای مجازی به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی ابزاری بر توسعه و پیشرفت محسوب می‌شود و در صورت استفاده صحیح و مفید، آثار و برکات ارزشمندی دارد. اما چنانچه از آن استفاده ناصحیح به عمل آید، تهدیدها و آسیب‌های متعددی به دنبال دارد که از جمله ایجاد تزلزل در بنیان خانواده است. بر این اساس امروزه فضای مجازی غیرمستقیم و در واقع در نقش شتاب‌دهنده گرایش به طلاق عمل می‌کند. افزایش فردگرایی به واسطه حضور شبکه‌های اجتماعی در جامعه ایران، افزایش روابط خارج از شرع با نامحرم و تسهیل آن، افزایش مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی و همچنین رواج سبک زندگی غیرایرانی و غیراسلامی، افزایش گرایش به اعتیاد و مواردی از این قبیل، ارمغان فضای مجازی برای خانواده ایرانی است و در بسیاری از موارد زوجین را به نقطه طلاق رسانده است.

رسانه‌های جمعی با پخش برنامه‌هایی در زمینه طلاق، در بیشتر موارد سبب قبح‌زدایی از آن می‌شود؛ برای مثال در برخی فیلم‌ها، زنان مطلقه را قهرمانی به تصویر می‌کشند که خودش یک‌تنه از پس تمام مشکلات برمی‌آید و به عنوان نقش اول فیلم، محبوب بینندگان قرار می‌گیرد؛ اینها تأثیر الگوسازی برای خانواده‌ها به دنبال دارد و برای خانم‌هایی که زمینه طلاق دارند، ایجاد انگیزه می‌کند که طلاق، امری قبیح نیست و مسئله‌ای فراگیر در جامعه است!

همچنین به‌تازگی برنامه‌های رسانه‌ها به کاهش فضای گفتگو و در نتیجه ایجاد فاصله عاطفی و هیجانی و نیز فاصله شناختی میان اعضای

خانواده‌ها شده است. این روند به افزایش فردگرایی و کاهش جمع‌گرایی می‌انجامد که خود عامل مهمی در فروپاشی خانواده‌هاست.<sup>۱</sup> از سوی دیگر ارتباط‌های اینترنتی به راحتی به طلاق منجر می‌شود. امروزه اتفاق‌هایی که در این باره به وقوع می‌پیوندد، کم نیست؛ برای مثال آشناکردن همسر با اینترنت و فضای مجازی سبب شد مرد در سن ۳۳ سالگی درخواست طلاق کند. ماجرا از زمانی شروع شد که او اینترنت تلفن همراه خانمش را فعال کرد. او به مشاور دادگاه خانواده گفت: روزی همسرم مشغول پختن غذا بود و خیلی اتفاقی گوشی‌اش را برداشتم و وارد فضای چت شدم. فهرست را که باز کردم، اسم چند مرد غریبه را دیدم. نفس در سینه‌ام حبس شده بود. یکی یکی همه را باز کردم و خواندم. چیزی را که می‌دیدم، باورم نمی‌شد. او با چند مرد از شهرستان‌های مختلف، رابطه اینترنتی برقرار کرده و با یکی از آنها قرار گذاشته بود که به تهران بیاید تا با هم به سینما بروند. با قیافه بهت‌زده و رنگ‌پریده از همسرم خواستم در این باره توضیح دهد. ابتدا انکار کرد؛ اما وقتی گفتم قرار است با یکی از آنان به سینما بروی، گریه کرد و گفت: «همه چیز، از ایمیل و چت شروع گردیده و کار به قرار گذاشتن کشیده شده». بعد از این اتفاق، تصمیم گرفتم همسرم را طلاق دهم.<sup>۲</sup>

### ۳. ماهواره

ماهواره گرچه از مصادیق رسانه و فضای مجازی است؛ اما به دلیل تأثیرگذاری بیشتر این پدیده در طلاق، آن را جداگانه بررسی می‌نماییم. امروزه شبکه‌های ماهواره‌ای با تأثیرگذاری بر افکار مخاطبان خود،

۱. ر. پورحسین، رسانه‌های جمعی و مشکلات خانوادگی؛ تقویت نظام خانوادگی و آسیب‌شناسی آن، ج ۲، ص ۳۷.

2. <http://jamejamonline.ir/online/2811857274846653879>.

به‌آسانی نوع دیدگاه و سلاقی و حتی توقعات آنها را متحول می‌کنند. این واقعیت را نباید نادیده گرفت که ارزش‌های غیراخلاقی به‌راحتی از این طریق در قالب قواعد و هنجارها و نمادها قابل عملی‌شدن در محیط خانواده است.<sup>۱</sup>

ماهواره با پخش برنامه‌ها و آگهی‌ها، ناهنجاری متفاوتی چون: فرهنگ برهنگی، مصرف‌گرایی، تجمل‌پرستی، ترویج بی‌مبالاتی اخلاقی، فردگرایی و آزادی را به نمایش می‌گذارد و رفته‌رفته فرهنگ وقار، عفت و گذشت در زندگی خانوادگی به فراموشی سپرده می‌شود. هنجارها و ارزش‌هایی که در فرد درونی شده، به تدریج از ارزش‌گذاری‌های جدید ماهواره‌ای متأثر شده و افراد برای عقب‌نماندن از ارزش‌های پیشرفته جوامع غربی، ارزش‌های دیگری مغایر با ارزش‌های اسلامی را با خود همراه می‌کنند.<sup>۲</sup> از طرفی تضعیف ارزش‌های مورد تأکید اسلام، سبب تضعیف پیوندهای عاطفی میان اعضای خانواده می‌شود و در نهایت طلاق افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، با نمایش برنامه‌هایی درباره افزایش طلاق، این مسئله را عادی‌سازی می‌کند تا قبح طلاق از بین برود.

#### ۴. آزادی روابط جنسی

پیش از این انحصار کارکرد تأمین نیاز جنسی به نهاد خانواده، همواره از پشتوانه‌های اصلی ثبات و استحکام نهاد خانواده بود؛ اما امروزه با شکسته‌شدن این انحصار در جامعه، به طور طبیعی باید در انتظار کاهش تعهد افراد به حفظ خانواده و در نتیجه قبح‌زدایی از طلاق بود. برخی جامعه‌شناسان باور دارند نگرش عمومی گذشته به فعالیت جنسی، به

۱. دیوید اولسون، رسانه‌ها و نماد: صورت‌های بیان، ارتباط و آموزش، ص ۸۴.

۲. مرتضی منادی، جامعه‌شناسی خانواده، ص ۷۰.

عنوان عملی تنها برای تولید مثل، به نگرشی جدید تغییر یافته و این یکی از عواملی است که با افزایش بی‌بندوباری جنسی در قالب روابط خارج از چارچوب ازدواج، به عادی‌سازی طلاق انجامیده است؛<sup>۱</sup> زیرا آزادی ارتباطات جنسی خارج از روابط زناشویی به شیوه‌های گوناگون، جذابیت جنسی هر یک از زن و شوهر را برای دیگری تقلیل می‌دهد و زشتی امر طلاق را که با همبستگی جنسی طرفین، نسبت معکوس دارد، می‌شکند.<sup>۲</sup> همچنین اختلاط ناسالم زن و مرد در فعالیت‌های اجتماعی، از دیگر زمینه‌هایی است که در قبح‌زدایی از طلاق، نقش محوری دارد و در کنار ضعف کنترل درونی و بیرونی افراد و امکان برقراری روابط آزاد، با توجه به وجود محرک‌های قوی و پُر جاذبه‌ای که دو جنس به طور طبیعی برای ورود به دنیای یکدیگر دارند، در مرحله اول به ضعف انگیزه تشکیل خانواده و در مرحله بعد به ضعف انگیزه حفظ آن و در نتیجه، زوال تدریجی موقعیت خانواده در سطح کلان و بروز تنش، اختلاف، سوء معاشرت، خیانت، طلاق و تجدید فرآیندهای مکرر در سطح خرد خواهد انجامید.

### ۵. افزایش سطح توقعات

زن و مرد در گذشته زندگی را با سادگی و صمیمیت آغاز می‌کردند و در طول زندگی مشترک، با فرازونشیب‌های روزگار می‌ساختند و پایبند خانواده بودند؛ اما در جامعه امروز، شاهد روی آوردن به زندگی تجملاتی و ایجاد مصرف‌زدگی بین خانواده‌ها و در نتیجه افزایش طلاق هستیم. در

۱. حسین بستان، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ص ۲۴۱.

۲. محمدتقی مصباح یزدی، جامعه و تاریخ، ص ۳۲۶.

این مسئله هم مشاهده می‌کنیم که بیشترین تلاش دشمن، در تغییر روحیه زنان و متوقع نمودن آنها بوده است؛ زیرا آنان هسته اصلی خانواده را شکل می‌دهند و بر نوع نگرش همسر و فرزندان بسیار اثرگذار می‌باشند. همچنین همین مسئله خود از دلایل اصلی روی آوردن به اشتغال بیرون از منزل است. به هر حال این مسئله به خودی خود، سبب به وجود آمدن انحراف‌های فراوانی در زندگی فردی و اجتماعی افراد می‌شود.

امروزه افزایش توقعات غیرواقعی زوجین از یکدیگر، بر روابط عاطفی آنان مؤثر است و عامل بسیاری از ناسازگاری‌هاست. این توقعات که ممکن است در زمینه‌هایی چون مالی و عاطفی باشد، غالباً ناشی از نازپروردگی، چشم‌وهم‌چشمی‌ها، نگاه کردن به زندگی دیگران و کوچک به حساب آوردن همسر است و حاصل آن جز ناکامی و پریشانی نیست. مردی به قصد خودکشی، خودش را حلق‌آویز کرد. وقتی به هوش آمد، گفت: «من شاگرد راننده‌ام و سه سال است که ازدواج کرده‌ام. زخم توقعات خارج از حد دارد و چون نمی‌توانم توقعاتش را برآورده کنم، مرتباً مرا سرزنش می‌کند. سرزنش‌های او بالأخره مرا به ستوه آورد و تصمیم به خودکشی گرفتم».<sup>۱</sup>

همچنین زنی جوان با مراجعه به دادگاه خانواده، به دلیل اینکه شوهرش به درخواست وی مبنی بر خرید یک آی‌پد سر باز زده، دادخواست نفقه خود را به قاضی تسلیم کرد. وی در مقابل قاضی پرونده در این باره گفت: «از قبل به شوهرم گفته بودم باید وسایل مورد نیازم را تهیه کند؛ وگرنه از طریق دادگاه دادخواست نفقه داده و مجبور می‌شود ماهانه مبلغی را به

---

۱. ابراهیم امینی، آیین همسر‌داری، ص ۴۴ - ۴۵.

من پرداخت کند؛ ولی او نپذیرفت و تصور کرد شوخی می‌کنم». وی با اشاره به اینکه دارای یک فرزند هستیم و پنج سال از زندگی مشترکمان می‌گذرد، افزود: «برای نخستین بار از شوهرم خواستم برایم آی‌پد بخرد؛ ولی او قبول نکرد و بیشترین مسئله‌ای که باعث شد من دادخواست نفقه بدهم، همین امر است؛ زیرا وقتی حاضر نیست بعد از پنج سال خواسته‌های مرا فراهم کند، باید زور بالای سرش باشد». شوهر وی نیز که در دادگاه حضور داشت، با بیان اینکه عاشق زندگی و همسرش است، افزود: «این درخواست همسرم، باعث می‌شود که زمینه‌های مشکلات دیگر و حتی طلاق فراهم شود. بنابراین می‌خواهم از خواسته‌اش بگذرد و در مقابل من نیز قول می‌دهم که بهترین تبلت را برایش خریداری کنم».<sup>۱</sup>

## ۶. ترویج سبک زندگی غربی

امروزه غرب با استفاده از رسانه‌های جهانی، به فرهنگ ایرانی حمله کرده و سبک زندگی غربی را الگوی جامعه اسلامی قرار داده است. غرب مدرن، عالم جدیدی است که نوعی سبک زندگی را با مبانی فکری هستی‌شناسی و انسان‌شناسی خود در محوریت سکولاریست، اومانیست، فمینیست و لیبرالیست پدید آورده تا مبانی اسلامی را به نابودی کشانده، آنها را تحت سیطره خویش درآورد.

از این رو جامعه ایران اخیراً در جریان تحولات فرهنگی و اجتماعی وسیعی قرار گرفته که این تحولات، به‌ویژه در ازهم‌پاشیدگی خانواده مؤثر بوده است. یکی از عوامل قبح‌زدایی از طلاق در جامعه امروزی،

۱. روزنامه دنیای اقتصاد، ش ۳۰۸۷، تاریخ ۱۳۹۲/۹/۲۱، ص ۲۵.



شیوع افکار اومانیزیسم (Humanism) است؛ اندیشه‌ای که هسته مرکزی جامعه را آزادی و حقیقت‌انسانی می‌داند و منافع و لذت‌های بشری را به جای اصول مذهبی و الهیات استوار می‌گرداند.<sup>۱</sup> مفهوم اومانیزم در مشرب سکولاریسم، حاکمیت امیال است و پیامد سوء آن، سقوط انسانیت در منجلاب اخلاقی و نابودی ارزش‌های معنوی است.<sup>۲</sup>

بنابراین عمده تفکر غربی، تلاش برای دستیابی به لذت و پرداختن به تن و زندگی زمینی است و این سبک در حال ترویج است که سعادت نیز جز از طریق لذت‌جویی امکان‌پذیر نیست و عقل و منطق نیز باید در خدمت حیوانیت بشر و ارضای نیازهای حیوانی او باشد.<sup>۳</sup> در این آسیب نیز تفکرات سکولاریستی غرب غلبه دارد و سبک زندگی انسان دستیابی به مزایا و ظواهر این جهان است؛ چراکه طبق مبانی غربی، غیر از این جهان واقعیت دیگری وجود ندارد تا انسان آن را هدف خود قرار دهد.<sup>۴</sup> موضوع دفاع از آزادی زنان، اندیشه دیگری است که غرب طرح کرده و ازدواج را به «بردگی» تشبیه می‌کند؛<sup>۵</sup> زیرا قانون اطاعت‌پذیری زن از شوهر، با همه اصول جهان مدرن و نیز با همه تجربه‌هایی که این اصول به‌کندی و با رنج و مرارت فراوان از دل آنها برآمده، عمیقاً در تضاد است. فمینیسم با این اندیشه‌ها همواره نقش سنتی زن به عنوان همسر و مادر را مورد تحقیر قرار می‌دهد<sup>۶</sup> و طرحی که برای به‌کمال‌رسیدن زن دارد، این است که نقش

۱. مریم صانع‌پور، *مبانی معرفتی اومانیزم*، ص ۱۰۰.

۲. آنتونی آربلاستر، *ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب*، ص ۲۰۶.

۳. عبدالله نصری، *سیمای انسان کامل از دیدگاه مکاتب*، ص ۱۵۸ و ۳۲۸.

۴. عبدالرسول بیات و دیگران، *فرهنگ واژه‌ها*، ص ۴۳.

۵. جان استوارت میل، *انقیاد زنان*، ص ۱۲۶.

۶. ویلیام گاردنر، *جنگ علیه خانواده*، ص ۶۰.

سستی خود، یعنی مادری و همسری را رها کند و تنها به دنبال کار اقتصادی و تحصیلات باشد؛ چون کار در خانه و همسرداری، زن را مانند یک بچه نگه می‌دارد و او را از محیط بیرون جدا می‌کند.<sup>۱</sup> به همین دلیل همواره زنان را برای کسب استقلال و برابری، تشویق به طلاق می‌کنند<sup>۲</sup> و با حمایت از خانواده‌های تک‌والد، برای رهایی زنان از نقش مادری و همسری، برای قبح‌زدایی از طلاق اقدام می‌کنند.<sup>۳</sup>

در وضعیتی که برابری جنسی ارزشی عمومی پذیرفته و ترویج می‌شود، احساس بی‌عدالتی درباره تقسیم کار خانگی، رضایت شخصی زنان را از زندگی زناشویی کاهش داده، سبب می‌شود آنان بیش از مردان به طلاق بیندیشند.

## ۷. بی‌نیازی اقتصادی زنان

از آنچه گذشت می‌توان نتیجه گرفت که امروزه بحران فروپاشی خانواده، مسئله‌ای است که اندیشمندان اجتماعی نگرانی خود را از آن کتمان نمی‌کنند.<sup>۴</sup> اندیشه‌های فمینیسم، به‌ویژه در موضوع برابری زن و مرد و در نتیجه اشتغال و استقلال زنان، سبب شده غالب زنان به دلیل مسائل شغلی یا هیچ‌گاه تن به ازدواج ندهند یا در صورت ازدواج، به دلیل استحاله نقش‌ها در خانواده و از بین رفتن کارکردهای اصلی آن، غالباً طلاق بگیرند. در دوره‌های گذشته، یکی از مهم‌ترین دلایل نگهداری زنان در جایگاه همسر، کسب امنیت مالی از شوهر بود؛ اما افزایش بی‌سابقه ورود زنان

۱. پاسنو دایان، فمینیسم و مذهب، ج ۱، ص ۳۸.

۲. استفان باسکرویل، بحران خانواده در صنعتی به نام طلاق، ص ۴۶.

۳. مریم فرهمند، واگردهای فمینیستی در ازدواج، ص ۱۰۵.

۴. آنتونی گیدنز، جامعه‌شناسی، ص ۴۴۶.

به بازار کار در دهه‌های اخیر، به بی‌نیازی اقتصادی آنان منجر شده است و این امر، چشم‌انداز طلاق را برای زنان ناراضی از وضعیت زناشویی خود، نویدبخش کرده است. از این‌رو طبق پژوهش‌های انجام‌شده، درخواست طلاق از سوی زنان شاغل، بسیار بیشتر از درخواست طلاق از سوی زنان غیرشاغل است؛<sup>۱</sup> زیرا وقتی زن در بیرون از خانه به فعالیتی اشتغال دارد و چندان متکی به مرد نیست، می‌تواند معاش خود را تأمین کند و به همین دلیل از طلاق بیمی به دل راه نمی‌دهد و در منازعات خانوادگی، تا آنجا که بخواهد، به پیش می‌تازد و به تدریج قبح طلاق هم از بین می‌رود.<sup>۲</sup>

---

۱. حسین بستان، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ص ۲۴۰.

۲. محمدتقی مصباح یزدی، جامعه و تاریخ، ص ۳۲۶.